

تحلیل معماری و تزیینات آرامگاه پیر حاجات شهرستان طبس

علی اصغر محمودی نسب^۱

۱. گروه باستان‌شناسی، دانشکده‌ی هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.



چکیده

بناهای آرامگاهی، از شاخص‌ترین آثار معماری کشورهای اسلامی و بالاخص ایران به‌شمار می‌روند و بعد از مساجد، به‌عنوان متنوع‌ترین و پُر تعدادترین فضاهای معماری دوران اسلامی شناخته می‌شوند. دلیل این امر به نقش آرامگاه‌ها و آمیختگی آن با آداب و رسوم و مذهب ایرانیان بازمی‌گردد و همین امر توجیه‌گر تداوم اقبال عامه‌ی مردم به آرامگاه‌های مذهبی ایران است. در این مقاله، معماری و تزیینات آرامگاه پیر حاجات معرفی می‌شود. این آرامگاه در روستای پیر حاجات، از روستاهای بخش مرکزی شهرستان طبس و در دهستانی به همین نام واقع است. آرامگاه پیر حاجات مربوط به دوره‌ی سلجوقی و جزء آرامگاه‌های مذهبی است. در این مقاله، ضمن معرفی معماری و تزیینات آرامگاه به شخصیت مدفون در بنا نیز پرداخته شده است. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی و تحلیلی با رویکرد تاریخی و فرهنگی بوده و جمع‌آوری یافته‌های آن نیز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. سؤال اصلی تحقیق این است که معماری آرامگاه پیر حاجات تا چه اندازه از معماری دوره‌ی سلجوقی تأثیر گرفته و چه تزییناتی در آن به کار رفته است؟ این آرامگاه به سبک معماری دوره‌ی سلجوقی با پلان مستطیل‌شکل و با گنبدی رفیع ساخته شده و در عین سادگی، عظمت معماری دوره‌ی سلجوقی را در آن می‌توان دید. تزیینات به‌کاررفته در بنا محدود و شامل کاشی‌کاری و گچ‌کاری است.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۹
تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

واژگان کلیدی:

طبس، آرامگاه پیر حاجات، سلجوقی، گنبدخانه، تزیینات.

مقدمه

باتوجه به شواهد معماری و باستان‌شناسی موجود می‌توان چنین بیان کرد که بناهای آرامگاهی در ایران بیش از سایر کشورهای اسلامی ساخته شده‌اند. زیرا ایرانیان به اولیاء و بزرگان خود احترام بسیار می‌گذارند و آنها را تقدیس می‌کنند. این مقبره‌ها برای جاویدان ماندن نام این بزرگان و مردم نیکوکار و

خوشنام ساخته می‌شد (حاتم، ۱۳۹۰: ۱۰۲). هرچند در اوایل اسلام آرامگاه‌سازی جایز نبود، اما با این وجود، بناهای آرامگاهی غیرمذهبی زیادی ساخته شد که از جمله می‌توان به آرامگاه هارون رشید در سناباد اشاره کرد. این بنا توسط مأمون ساخته شد و پس از شهادت امام رضا (ع)، را در همان چهاردیواری گنبددار هارون در محوطه‌ی بالاسر وی به

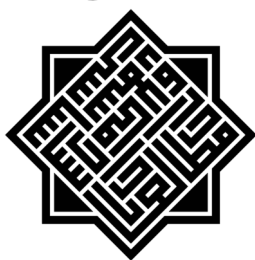
* نویسنده‌ی مسئول:

علی اصغر محمودی نسب

نشانی: بابلسر، دانشگاه مازندران، دانشکده‌ی هنر و معماری، گروه باستان‌شناسی.

تلفن: +۹۸(۹۱۵)۹۶۳۴۱۶۸

پست الکترونیکی: aliasqarmahmoodi@yahoo.com



آرامگاهی ویژگی‌های معماری و تزیینی هر دوره را نشان می‌دهد و خود، گامی در شناخت این بناها در مناطق مختلف ایران است. در این تحقیق، به معرفی معماری و شخصیت مدفون در آرامگاه پیرحاجات واقع در روستای پیرحاجات شهرستان طبس، استان خراسان جنوبی، پرداخته خواهد شد و ضمن معرفی معماری بنای آرامگاه، نقوش و تزیینات و کتیبه‌های بنا مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این آرامگاه با توجه به کتیبه‌ی بنا مربوط به دوره‌ی سلجوقی^۱ است.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است. گردآوری یافته‌ها براساس پژوهش‌های میدانی (بازدید از آرامگاه و تهیه‌ی عکس) و مطالعات کتابخانه‌ای (شامل بررسی کتب تاریخی و معماری و استفاده از کتب و گزارش‌های موجود در آرشیو اداره‌ی میراث فرهنگی) است.

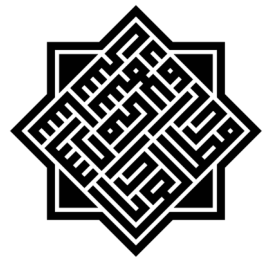
پیشینه‌ی پژوهشی

در رابطه با معماری آرامگاه پیرحاجات و معرفی آن، در مقالات و کتب مختلف اشاراتی شده است که از جمله می‌توان به مقاله‌ای با عنوان تاریخچه‌ی طبس و نگاهی کوتاه به بناهای باستانی آن (نادری، ۱۳۵۷)، گزارش ثبتی بنا (دانشدوست، ۱۳۶۶)، کتاب طبس شهری که بود - بناهای تاریخی طبس (دانشدوست، ۱۳۷۶)، کتاب جغرافیای تاریخی شهرستان طبس (امینی، ۱۳۸۵)، کتاب وارثان عترت - بقاع متبرکه خراسان جنوبی (شاطری، ۱۳۹۴) و گزارش بررسی باستان‌شناسی بخش دیهوک و دهستان پیرحاجات شهرستان طبس (محمودی‌نسب، ۱۳۹۷) اشاره کرد.

موقعیت جغرافیایی و قدمت آرامگاه پیرحاجات

آرامگاه پیرحاجات (مزار پیرحاجات) در شهرستان طبس، بخش مرکزی، دهستان پیرحاجات و در روستای پیرحاجات واقع شده (نقشه‌ی شماره‌ی ۱) و براساس نقطه (UTM) در طول و عرض جغرافیایی

خاک سپردند (غروی، ۱۳۷۶: ۹۹). از دیگر مقابر غیرمذهبی قرون اولیه‌ی اسلامی می‌توان به مقبره‌ی امیر اسماعیل سامانی در بخارا به سال ۳۰۰ هـ.ق (Hattstein And Delius, ۲۰۰۴: ۱۱۵)، بقعه‌ی عرب‌آتا در تیم، ۳۳۶ هـ.ق (هیلنبراند، ۱۳۸۷: ۱۰۳) و مقبره‌ی برجی گنبد قابوس به سال ۳۹۷ هـ.ق (کیانی، ۱۳۸۶: ۴۵) اشاره کرد. در زمان حکومت شیعی مذهب علویان و دیلمیان (قرن چهارم هجری)، آرامگاه‌های مذهبی و غیرمذهبی زیادی از اولیاء و بزرگان و اشخاص سیاسی در مناطق شمالی و مرکزی ایران به جا مانده است. در زمان سلجوقیان ساخت مقابر و بناهای آرامگاهی وارد مرحله‌ی تازه‌ای می‌شود و این در حالی است که سلاجقه سنی مذهب بودند و نسبت به مذهب خود تعصب شدیدی داشتند. اما با وجود این، ایجاد بنا روی قبور در این دوره برای شیوخ اهل سنت و بزرگان و حاکمان رشد بی‌سابقه‌ای داشت. در دوره‌ی حکومت ایلخانان که در ابتدا به تسنن گرویدند، شمار آرامگاه‌ها و برج‌های مقبره‌ای افزایش می‌یابد. در اواخر این دوره، با توجه به اینکه برخی از سلاطین ایلخانی به مذهب تشیع تمایل داشتند، علاوه بر قبور بزرگان، مقابری نیز برای اولیاء و اهل بیت ساخته شد. در طی دوره‌های بعد، یعنی زمان تیموریان سنی مذهب و صفویان شیعی و سپس، افشاریه، زندیه و قاجار و حتی تا امروز نیز شاهد ساخت قبه و بارگاه برای بزرگان دین و اولیاء و اهل بیت و مقابر شخصی هستیم. ارادت و توسل خاصی که مردم این مرز و بوم مخصوصاً شیعیان به اهل بیت دارند، مهم‌ترین دلیل ساخت و حفظ آرامگاه‌های مذهبی در دوران اسلامی بوده است، به طوری که کمتر منطقه‌ای را می‌توان یافت که سهمی از این بناها نداشته باشد. جایگاه مقابر مذهبی موجب شده که این بناها در حیات اجتماعی و مذهبی ایران در بافت سنتی شهرها و روستاها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. عوامل متعددی در شکل‌گیری و توسعه‌ی این بناها نقش داشته که نقش مذهب در این موارد به مراتب بیشتر و پُررنگ‌تر بوده است. معرفی بناهای



سال اول / شماره دوم

پاییز و زمستان ۱۳۹۹

۱. تاریخ ساخت بنا همزمان با حکومت خوارزمشاهیان است و از آنجایی که معماری دوره‌ی خوارزمشاهیان ادامه‌ی سبک و ویژگی‌های معماری سلجوقی است، آرامگاه پیرحاجات پیرو سبک معماری سلجوقی است.

۱۰۵۹ / ۳۷۷۵۱۳۵ / ۰۴۵۴۱۴۶ متری سطح دریا قرار دارد (تصویر شماره ۱). این بنا در شمال غرب روستا و چسبیده به قبرستان روستا در دامنه‌ی صخره‌ای آهکی بنا شده است. آرامگاه پیرحاجات باتوجه به سبک معماری و کتیبه‌ی موجود مربوط به دوره‌ی سلجوقی است و مالکیت آن به اداره کل اداری اوقاف و امور خیریه‌ی خراسان جنوبی تعلق دارد.

روستای پیرحاجات در حاشیه‌ی کویر مرکزی و در مجاورت منطقه‌ای کوهستانی واقع است. معماری روستا از اقلیم این منطقه تأثیر پذیرفته است. بافت قدیم روستا در ۲۵۰ متری غرب آرامگاه پیرحاجات قرار دارد. قلعه‌ی روستا روی تپه‌ای مشرف به محیط ساخته شده و فضاهای مسکونی و مزارع و باغات روستا در اطراف آن قرار دارد. علاوه بر قلعه‌ی روستا که نشان از قدمت روستای پیرحاجات دارد، وجود قبرستان گبری قرون میانی اسلامی، نقش‌نگاره‌ای از دوران تاریخی و محوطه‌ی بکندا مربوط به عصر مفرغ خود از اهمیت و قدمت روستا حکایت دارد (محمودی نسب، ۱۳۹۷). مکان‌گزینی مناسب روستا و وجود منابع آب کافی و زمین حاصلخیز از جمله دلایل اصلی شکل‌گیری و توسعه‌ی روستا در طول زمان است.

شخصیت مدفون در آرامگاه پیرحاجات براساس متون و منابع تاریخی

راجع به شخصیت دفن‌شده در آرامگاه پیرحاجات اجماع و نظر واحدی وجود ندارد، اما آنچه مسلم است این که ایشان مسلمانی والا مقام و از پیروان مخلص ائمه‌ی اطهار بوده که لیاقت ساخت بارگاهی عظیم توسط دوستداران و مریدان خویش را داشته است. بنابر اظهار نظر افراد محلی، صاحب قبر، شیخ احمد

ابن اسحاق^۲ ایراوه بوده که مریدان و دوستداران شیخ از فرط عشق و علاقه‌ای که به او داشته‌اند، لقب «پیرحاجات» یعنی پیری که حاجتهای مردم را برآورده می‌سازد، به او داده‌اند و معتقدند که شیخ احمد ابن اسحاق یکی از نواب امام حسن عسکری است که در دوران امام هادی (ع) و امام جواد (ع) می‌زیسته و در خدمت این دو امام معصوم بوده است. وی به فرمان امام حسن عسکری جهت جمع‌آوری وجوهات شرع مردم خراسان و همچنین زیارت امام رضا (ع)، از سامرا عازم مشهد می‌شود و در میان راه در روستای پیرحاجات بیمار شده و به لقاءالله می‌پیوندد. پیکر مطهرش را در همانجا دفن می‌کنند و بارگاهی می‌سازند (برگرفته از دانشنامه‌ی طبس، ۱۳۹۱). در اینجا سندی را که مردم منطقه‌ی طبس به آن استناد می‌کنند، از کتاب ارزشمند «کمال‌الدین و تمام النعمه (اسلامیه)» محمد بن علی ابن بابویه، معروف به شیخ صدوق استخراج کرده‌اند. شیخ صدوق به نقل از سعد ابن عبدالله، یکی از کسانی که در آخرین سفر احمد ابن اسحاق همراه او بوده است، می‌نویسد: «..... سعد گوید: خدا را سپاس گفتیم و بعد از آن تا چند روز به منزل مولایمان می‌رفتیم و آن پسر بچه را نزد او نمی‌دیدم (منظور امام زمان (ع) است) و چون روز خداحافظی فرارسید، با احمد بن اسحاق و دوتن از همشهریان خود بر مولایمان وارد شدیم و احمد بن اسحاق در مقابل امام ایستاد و گفت: ای فرزند رسول خدا! هنگام کوچ فرارسیده و محنت شدت گرفته است، از خدای تعالی مسألت می‌کنیم که بر جدت محمد مصطفی و پدرت علی مرتضی و مادرت سیده‌النساء و بر عمو و پدرت آن دو سرور جوانان اهل بهشت و پدران که ائمه‌ی طاهرین هستند، درود بفرستد و همچنین بر شما و فرزند شما درود بفرستد و امیدواریم که خدای تعالی شما را برتری دهد و

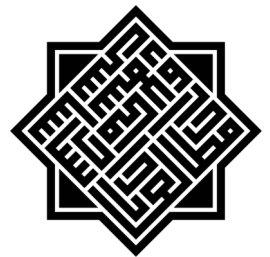
۲. ابوعلی احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد بن مالک الاحوص اشعری قمی محدثی جلیل‌القدر، از دانشمندان سده‌ی سوم هجری و از بزرگان قم است. خاندان و خویشان احمد از اصحاب ائمه و محدثان کبار شیعه محسوبند. وی را از اصحاب امام جواد و امام هادی و امام عسکری (ع) به‌شمار آورده است و خدمت امام زمان (ع) نیز تشرّف حاصل کرده است. او بزرگ قمی‌ها و واسطه‌ی ایشان و از وکیلان و سفیران بوده است. در شهر قم مسجدی است که به مسجد امام حسن عسکری (ع) شناخته می‌شود و میان مردم مشهور است که: مقداری از اموال مربوط به امام عسکری (ع) نزد احمد بن اسحاق مانده بود و در آن روزگار مسجدی در شهر قم برای شیعیان وجود نداشت. پس احمد بن اسحاق برای امام عسکری (ع) نوشت و اجازه خواست تا با این اموال مسجدی برای شیعه بنا کند. احمد بن اسحاق نقل می‌کند که بر امام حسن عسکری (ع) وارد شدم و می‌خواستم تا درباره‌ی جانشینان بیرسم. پس ایشان قبل از پرسیدن من، فرمود: «ای احمد بن اسحاق، به‌درستی که خداوند تبارک و تعالی از زمانی که آدم (ع) را خلق کرد تا روز قیامت زمینش را از حجتی بر مردم خالی نگذاشته است و فرزند خردسالش را نشان داد (قزوینی، ۱۳۹۲: ۶۰؛ خدایان آرائی، ۱۳۹۱: ۶۵، تهرانی نجفی، ۱۳۹۳: ۱۶۱).



▲ نقشه‌ی شماره‌ی ۱. موقعیت آرامگاه پیر حاجات در تقسیمات سیاسی کشور، استان خراسان جنوبی، شهرستان طبس و دهستان پیر حاجات



▲ تصویر شماره‌ی ۱. تصویر ۱: موقعیت آرامگاه پیر حاجات در تصویر ماهواره‌ای (https://Google Earth.Com)



سال اول / شماره دوم
پاییز و زمستان ۱۳۹۹

گوید: در بازگشت از محضر مولایمان سه فرسخ مانده به شهر حلوان احمد بن اسحاق تب کرد و بیماری سختی بر وی عارض شد که از ادامه‌ی حیات ناامید گردید و چون به حلوان وارد شدیم و در یکی از کاروانسراهای آن فرود آمدیم، احمد بن اسحاق یکی از همشهریان خود را که در آنجا ساکن بود، فراخواند، سپس گفت: امشب از نزد بیرون بروید و مرا تنها بگذارید، ما از نزد او بیرون آمدیم و هر یک به خوابگاه خود رفتیم. سعد گوید: نزدیک صبح دستی مرا تکان داد، چشم باز کردم و به ناگاه دیدم کافور خدمتکار ابو محمد (ع) است و می‌گوید: أحسن الله بالخیر عزاکم خدا در این مصیبت به شما جزای خیر دهد و مصیبت

دشمنتان را سرکوب کند و این ملاقات را آخرین دیدار ما قرار ندهد. گوید: چون این کلمات را ادا کرد، مولای ما گریست به غایتی که اشک از دیدگانش جاری شد، سپس فرمود: ای پسر اسحاق! خود را در دعا به تکلف مینداز و افراط مکن که تو در همین سفر به ملاقات خدا خواهی رفت. احمد بیهوش بر زمین افتاد و چون به هوش آمد گفت: شما را به خدا و حرمت جدّتان سوگند می‌دهم که خرقه‌ای به من عطا فرمایید تا آن را کفن خود سازم، مولای ما دست به زیر بساط کرد و سیزده درهم بیرون آورد و فرمود: آن را بگیر و جز آن را هزینه مکن که آنچه را خواستی از دست نخواهی داد و خدای تعالی اجر نیکوکاران را ضایع نخواهد کرد. سعد

گنبد است که گور پیر وارسته ابونصر ایریادی در آن مدفون است که پس از سال پانصد درگذشت و مردم آن سامان برایش کراماتها یاد کنند، چنانکه گویند: مردم دیه از وی در یک خشکسالی خواستار باران شدند. او به سجده شده دعا کرد، پس چشمه‌ای از آب گوارا در میان سنگ سخت جوشیدن گرفت، شیخ دست بر آن نهاده گفت: آرام باش و آب آرام شد. این را حافظ ابو عبدالله محمد بن نجار بغدادی برایم گفت که خود دیده و از آن آب نوشیده بود و گفت: من گور این پیر را بارها زیارت کردم و در آنجا نفسی جانانه یافتم که مرا آرامش بخشد، دل مرا پر از روشنایی کرد. او می‌گفت محمد پسر مؤید دبوسی در دیه ایریاد، از گفته عیسا پسر محفوظ طرفی» (حموی، ۱/۱۳۸۰: ۳۷۰؛ ابن عبدالحق بغدادی، ۱/۱۴۱۲: ۱۳۶). در کتاب جغرافیای تاریخی خراسان در تاریخ، حافظ ابرو طیس را کنار بیابان و میان نیشابور، کرمان، اصفهان و فارس معرفی کرده که دارای مزارع زیادی است و مزار پیر ابونصر که علم او بگردانند و مردم نذر او قبول کنند، در آن موضع است و قرای طیس را نام می‌برد (خوافی، ۱۳۷۰: ۳۰). در طرایق الحقایق معصومعلی شاه نیز توصیفی از مزار پیر دارد. او می‌نویسد: «ایراوه نام قصبه‌ای است به قرب طیس بر قله کوه آب گوارا و بساتین و اشجار بسیار دارد و شیخ ابونصر ایراوی نسبتش به آنجاست. در ایراه چشمه آبی است، گویند که از دعای شیخ است و مزار شیخ نزدیک آن است. مردم محل عقیده دارند که اینجا مزار شیخ احمد بن اسحاق است» (دانشدوست، ۱۳۷۶: ۲۸۶). منابع قرون میانی از شخصی به نام شیخ ابونصر ایراوه یاد می‌کنند و تاریخ فوت شخصیت مدفون در بنا را بعد از سال ۵۰۰، یعنی در قرن ششم هجری ذکر می‌کنند، در حالی که احمد بن اسحاق در

شما را به نیکی جبران کند ما از غسل و تکفین دوست شما فارغ شدیم، برخیزید و او را دفن کنید که او نزد آقای شما از همه گرامی‌تر بود، آنگاه از دیدگان ما نهان شد و ما با گریه و ناله بر بالین او حاضر شدیم و حق او را ادا کردیم» (ابن بابویه، ۱۳۸۲/۲: ۲۰۸-۲۰۶). باتوجه به این سند، اگر این حلوان را همان حلوانی که در حدود سه فرسنگی پیرحاجات است بدانیم، می‌توانیم بگوییم که احمد ابن اسحاق در هنگام برگشت از مشهد بیمار شد و در پیرحاجات درگذشت. باید گفت که روستای حلوان فعلی در حدود سی کیلومتری جنوب غرب روستای پیرحاجات واقع است و اگر قرار بر دفن باشد، ایشان را در روستای حلوان دفن می‌کردند و ضرورتی نداشت که پیکر ایشان را سی کیلومتر دورتر دفن کنند. باید این‌طور گفت که منظور از حلوان اشاره شده در کتاب شیخ صدوق منطقه‌ای در غرب ایران در استان کرمانشاه و در نزدیکی سرپل ذهاب است. آرامگاه این شخصیت در جنگ تحمیلی تخریب و سپس بنای جدید روی آن احداث شد.^۳

صاحب آثار البلاد می‌نویسد: «ایراوه دهی است در قله کوهی، واقع در ولایت طیس که به دعای شیخ ابونصر ایراوی برای اهل آن ده، آب از سنگ بیرون آمده و الله اعلم» (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۶۳). معجم البلدان یا قوت حموی که به سال ۶۲۶ هجری نوشته شده، شرحی درباره‌ی شیخ ابونصر و آرامگاهش دارد که خلاصه‌ی آن چنین است: «ایراباد عجمان آن را ایراوه تلفظ کنند، دیه‌ی در پانزده فرسنگی طیس بر سر یک کوه و دارای یک دژ استوار است، پیرامنش کشتزار، باغستان، نخلستان، عناب، سیب و میوه‌های دیگر و آب‌های روان و گوارا دارد. شهر به‌غایت زیبا و خوش و دارای یک خانقاه صوفیانه و یک زیارتگاه با

۳. حلوان، شهری تاریخی و رودی در مغرب ایران که امروزه ویرانه‌ی آن برجای مانده است. شهر حلوان بر مدخل یکی از گردنه‌های زاگرس معروف به عقبه‌ی حلوان، در ساحل چپ رود حلوان (از ریزابه‌های رود دیاله) قرار داشت. مکان ویرانه‌ها دقیقاً مشخص نیست. برخی محققان آن را میان شهرهای کرند و قصر شیرین، در محل شهر سرپل ذهاب در مغرب استان کرمانشاه، یا «قلعه گبری» در جنوب آن می‌دانند. محل آن را در دوازده کیلومتری سرپل ذهاب در مسیر بغداد - کرمانشاه دانسته و افزوده‌اند حلوان همان شهر کالج دوره‌ی آشوری یا کالج سریانی و محل تبعید یهودیان است. در منابع دوران اسلامی، بنای شهر حلوان را به قباد اول ساسانی نسبت داده‌اند (بادنج، ۱۳/۱۳۸۸: ۶۴۶۹). این شهر در دوره‌ی ساسانی تا اواخر عصر ایلخانی یکی از شهرهای مهم ایران بود. جغرافی‌نویسان قدیم این شهر را در اقلیم چهارم، در آخرین حد جبال و به‌عنوان دروازه‌ی عراق توصیف کرده‌اند. در دوره‌ی ساسانی، علاوه بر موقعیت تجاری و کشاورزی ممتاز، از مراکز نظامی نیز به‌شمار می‌آمد و بنای این شهر را به قباد نسبت داده‌اند (قنبری و خسروی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱). علاوه بر حلوان کرمانشاه و روستای حلوان قهستان، شهری به‌نام حلوان در ترکیه و استانی به اسم حلوان در مصر وجود دارد. نام شهر حلوان در نامه‌ی ۵۹ نهج البلاغه نیز آمده است، آنجا که به نامه‌ی أسود بن قبطیه، فرمانده لشکر شهر حلوان اشاره دارد (علی بن ابی طالب، ۱۴۱۳: ۳۸۷). در حدود العالم من المشرق الی المغرب آمده است: «حلوان شهری است بسیار نعمت و رودی اندر میان وی همی گذرد» (مؤلف ناشناخته، ۱۴۲۳: ۱۶۰).

قرن سوم هجری (حدود ۲۶۰ - ۲۶۳ ه.ق) درگذشته است. نکته‌ی قابل ذکر در منابع مکتوب قرون میانی آن است که در روستای پیرحاجات علاوه بر آرامگاه، به خانقاهی اشاره شده و احتمالاً شخصیت مدفون در آرامگاه رهبر یک طریقت مذهبی در منطقه بوده که روی قبر وی آرامگاهی می‌سازند. امروزه شواهد خانقاه در روستا دیده نمی‌شود و احتمالاً تخریب شده است.

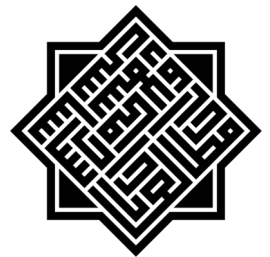
شیخ ابونصر محمدبن احمد بن ابی جعفر بن ابی اسحاق هروی (۳۷۶ - ۴۵۰)، معروف به شیخ ابونصر طبسی، در هرات متولد شد. شیخ ابونصر جد قاسم بن یوسف ابونصر هروی، مؤلف کتاب ارشادالزارعه است. این کتاب در سال ۹۲۱ هجری تألیف شد. قاسم بن یوسف در کتاب خود از جد خود شیخ ابونصر الطبسی مشتهر به پیرحاجات نام برده است. همچنین درباره‌ی او می‌گوید: حضرت هدایت پناه ولایت دستگاه سلطان اولیاء فی الافاق و برهان الاتقیاء علی اطلاق، وارث علوم الانبیاء و المرسلین، کاشف رموز الاولیاء و المعتدین، قبله الواصیلین، برهان العارفین، منبع العز و السعادت، مرشد الدهر، پیر حاجات. شیخ ابونصر زبده فضلا / شیخ الاسلام، عمده علما قدس الله روح و رزقنا فتوحه که مدفن مبارک آن حضرت در قریه ایراوه به ولایت طبس گیلکی و وطن مألوف آن حضرت و آباء و اجداد ایشان از قریه بایگ زاوه و محولات است فرموده: ای دل به کم و بیش زراعت خو گیر / نی مدح کبیرگوی و نی ذم صغیر / یک قطعه زمین، حاصل آن شلغم و سیر / بهتر که هزار قطعه در مدح وزیر / خواهی که ز دهقنت نیابی آزار / پیوسته به دلخواه تو باشد همه کار / و آنگاه تو را غله بود در انبار / در سنبه آب ده به میزان میکار (امینی، ۱۳۸۵: ۲۵۴).

معماری آرامگاه پیرحاجات

آرامگاه پیرحاجات در راستای شمال شرقی - جنوب غربی، به ابعاد ۱۷ × ۱۷ متر (مساحت ۲۸۹ مترمربع) با پلان مربع (پلان داخلی چلیپایی) ساخته شده است (تصویر شماره‌ی ۲). ورودی بنا به صورت ایوانی رفیع به ارتفاع ۱۲ متر با طاق جناغی است که

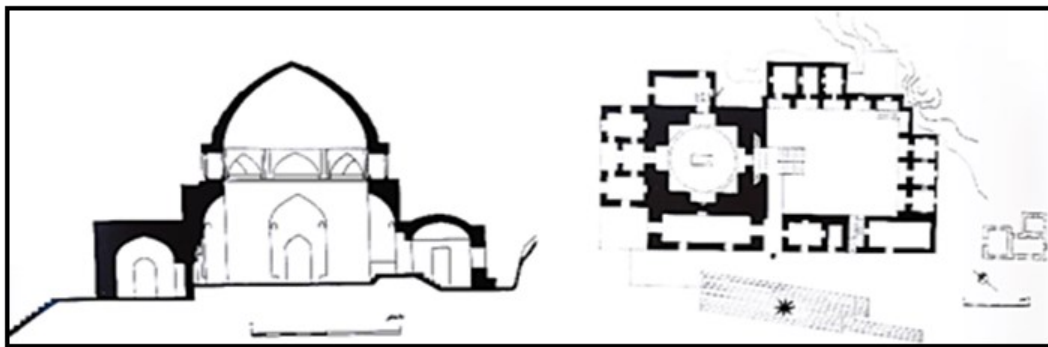
در شرق بنا قرار دارد و قبل از مرمت پایین تر از سطح حیاط بود. ورود به بنا از طریق پلکانی بود که طی چند دهه‌ی اخیر، با مرمت‌های صورت گرفته، ایوان همسطح با حیاط شده است (تصاویر شماره‌ی ۳، ۴ و ۵). در داخل ایوان ورودی، پلکانی ال شکل (L) تعبیه شده که به پشت بام منتهی می‌شود. بعد از ایوان ورودی وارد ساختمان اصلی بنا می‌شویم که ضریحی فلزی در مرکز آن قرار دارد (تصویر شماره‌ی ۶). بنای اصلی زیارتگاه از یک چهاروجهی که هر ضلع آن ده متر است، به صورت چلیپایی تشکیل شده است. در هر وجه، ایوانی بزرگ با طاق جناغی قرار دارد که این طاق‌ها بدون گوشه‌سازی دوه‌دو یکدیگر را قطع می‌کنند و در محل تقاطع یک هشت ضلعی می‌سازند. بدین ترتیب، گنبد روی این هشت ضلعی، بر قوس‌ها مستقر است و وزن آن روی هشت تکیه‌گاه دیوار تقسیم می‌شود. در چهار جهت اصلی گنبد (پاکار بنا) ، چهار پنجره با قوس جناغی برای نور و روشنایی تعبیه شده و وزن گنبد، با مهارت تمام از طریق طاق‌های جناغی به جرزها و دیوار منتقل شده است (تصویر شماره‌ی ۷). گنبد بنا به ارتفاع ۱۷ متر از بیرون حالت پلکانی دارد و این بدان معنی است که به هنگام پوشش، به تدریج که کار بالا می‌رفته، از ضخامت آن کاسته‌اند. پوشش بیرونی گنبد را در دوره‌ی معاصر با سیمان اندود و با رنگ آبی، رنگ آمیزی کرده‌اند. برای پوشش گنبد بنا از آجرهایی به ابعاد ۴ × ۲۵ × ۲۵ سانتی متر به همراه ملات خاک و گچ استفاده شده است.

زمان احداث آرامگاه با استناد به کاشی‌های فیروزه‌ای نصب شده در بالای محراب^۴، تاریخ ۶۰۱ هجری را نشان می‌دهد (وکیل زاده، ۱۳۹۵: ۱۳۷) که زمان اتمام بنای آرامگاه است. کاشی دیگری که ابعاد بزرگتری دارد، در داخل محراب واقع شده است. این کاشی تکرنگ و ابعاد آن ۳۸ × ۶۸ سانتی متر است (تصویر شماره‌ی ۸) و با نقوش خطی و گیاهی تزیین شده است. در کاشی تکرنگ، همانگونه که از نام آن بر می‌آید، تنها یک رنگ روی سطح کاشی می‌نشیند، مانند رنگ فیروزه‌ای یا لاجوردی (مکی‌نژاد، ۱۳۸۸:

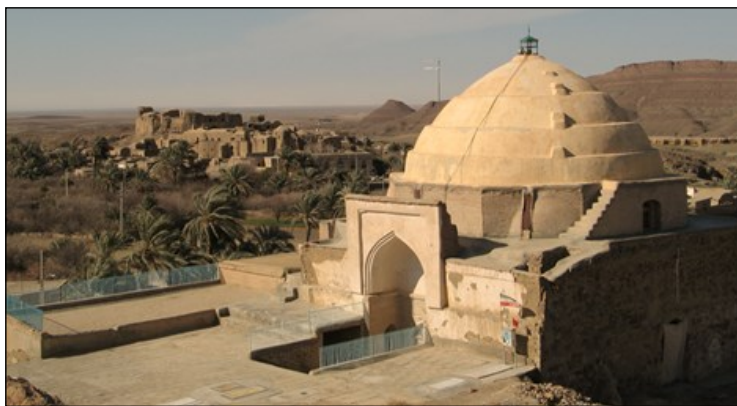


سال اول / شماره دوم
پاییز و زمستان ۱۳۹۹

۴. محراب یا طاقچه نماز، بی‌تردید آفرینشی از هنر مقدس است و درعمل، به یک عنصر عادی در معماری بناهای مذهبی تبدیل شده است، هرچند امری ضروری نیست (Burckhardt, 2009: 90).



▲ تصویر شماره ۲. پلان و برش آرامگاه پیرحاجات (دانشدوست، ۱۳۷۶: ۳۴۳-۳۴۶)



▲ تصویر شماره ۳. نمای شمال شرقی و ایوان ورودی آرامگاه پیرحاجات قبل از مرمت و نمای کلی از قلعه پیرحاجات (آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی)



▲ تصویر شماره ۵. آرامگاه پیرحاجات - دید از جنوب (نگارنده، ۱۳۹۷)



▲ تصویر شماره ۴. ایوان ورودی آرامگاه پیرحاجات بعد از مرمت - دید از شرق (نگارنده، ۱۳۹۷)



▲ تصویر شماره ۷. تزیینات و گوشه‌سازی فضای زیر گنبد آرامگاه پیرحاجات (همان)



▲ تصویر شماره ۶. ضریح و فضای داخل آرامگاه پیرحاجات (نگارنده، ۱۳۹۷)

دوفصلنامه مطالعات
باستان‌شناسی دوران اسلامی

مترمربع را دربرمی‌گیرد. مساحت نمازخانه حدود ۱۵۰ مترمربع است. ساختمان آرامگاه شامل حیاطی با ایوانچه‌های اطراف و اتاق‌ها و انبارهایی در مجاورت آن است.

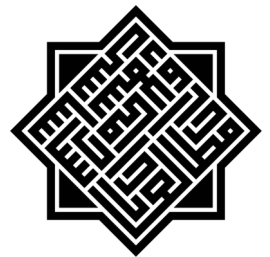
از جمله نذورات این بنا می‌توان به وجود چند قندیل و شمعدان اهدایی اشاره کرد. برخی از این وسایل دارای تاریخ هستند از جمله قندیلی به تاریخ ۱۰۸۶ ه.ق که روی آن نوشته شده است: «حضرت بلیقیس مکاسی همایون پیکر خانم به جهت تندرستی عالیحضرت سیادت نقابت پناه فرزند میرزا شاه خلیل‌الله وقف مزار فیض الانوار پیر حاجات علیه افضل الصلوات نمود الا طمع‌کننده به لعنت خدا گرفتار باشد. سنه ۱۰۸۶» (تصویر شماره ۱۰). شمعدان مسی به تاریخ ۱۱۳۱ هجری قمری وقف زیارتگاه پیر حاجات شده و نوشته‌هایی بر کف سینی و پایه‌ی آن کنده‌کاری شده است: «وقف مؤید و حبس مخلد شرعی نمودند عالیجاه معلی جایگاه نخبه الخوانین العظام آقای محمدامیرخان طبسی خلف مرحمتشان رضوان مکان امیرعلیقلی خان».

تحلیل معماری و تزیینات آرامگاه پیر حاجات

معماری ایران در دوره‌ی سلجوقی از قرن پنجم آغاز و تا اوایل قرن هفتم ادامه یافت. معماری این دوره، از نظر کیفیت و سبک هنری، جایگاه ویژه‌ای دارد و به‌عنوان دوره‌ی اوج معماری ایران در نظر گرفته

شده است. از جمله دخل و تصرفات انجام‌شده در بنا، می‌توان به سیمان‌کردن پشت‌بام و همینطور ازاره‌ی فضای گنبدخانه با سنگ مرمر تا ارتفاع یک‌ونیم متری اشاره کرد. در داخل ایوان ورودی (شرق)، سنگ قبری پنج‌ضلعی روی بدنه‌ی دیوار با این مضمون قرار دارد: «هو الحی الذی لا یموت/ هذا مرقد مرحوم جنت مکان خلد ایشان اشرف الحاج حاجی آقا محمد ولد مرحوم محمد زمان حلوانی بیست و پنجم شهر ذی‌الحجه در مکه معذمه وفات یافت فی سنه ۱۲۷۴». اطراف این سنگ قبر که آبی‌رنگ است با نقوش گیاهی تزیین شده است (تصویر شماره ۹).

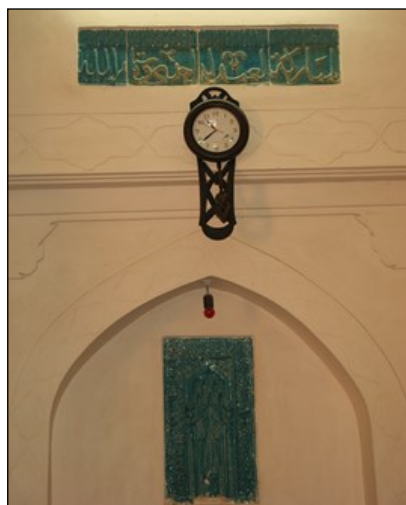
ایوان ضلع شمال‌شرقی آرامگاه از طریق پلکان به مسجدی جدید که در دوره‌ی معاصر ساخته شده، منتهی می‌گردد. ابعاد این مسجد ۵/۱۵ × ۵/۱۶ متر است. پیش از انقلاب اسلامی و پس از آن، بناهای زیادی در اطراف مجموعه به‌ویژه در شمال، جنوب و غرب آرامگاه ساخته شد. بناهایی که در ضلع شرقی بنا، پیش از انقلاب، به‌عنوان زیارتگاه استفاده می‌شد، در زلزله‌ی سال ۱۳۵۷ خورشیدی تخریب شدند و بناهای مجاور آن، با آجر و ملات سیمان با استحکام بیشتری ساخته شد. پیش از زلزله‌ی ۱۳۵۷، این بنا حیاطی داشت که ایوانچه و ایوان‌هایی در شمال، جنوب و شرق آن واقع بود و به اطاق و تالارهایی منتهی می‌شد که به جز بنا، بقیه‌ی فضای معماری آن به‌کلی تخریب شد. این زیارتگاه در محوطه‌ای به مساحت چهل‌هزار متر مربع ایجاد شد و حرم آن ۲۸۹



سال اول / شماره دوم
پاییز و زمستان ۱۳۹۹



▲ تصویر شماره ۹. سنگ قبر در ایوان ورودی آرامگاه به تاریخ ۱۲۷۴ ه.ق (همان)



▲ تصویر شماره ۸. محراب و کاشیکاری بالای محراب آرامگاه پیر حاجات (آرشیدو اداره کل میراث‌فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی)



▲ تصویر شماره‌ی ۱۰. بدنه قندیل مربوط به آرامگاه پیرحاجات به تاریخ ۱۰۸۶ هـ.ق (نگارنده، ۱۳۹۷)

گچ‌بری‌هایی به شکل قاب تزیین شده است. بالای قوس محراب چهار قطعه کاشی روی گچ کار شده که با نقوش خطی و گیاهی تزیین شده و تاریخ ساخت بنا روی آن نقش بسته است. کاشی دیگر که دارای ابعاد بزرگتری (۳۸ × ۶۸ سانتی‌متر) است، داخل محراب قرار دارد. در مرکز کاشی، نقش یک محراب برجسته است. این محراب از دو ستون که در قسمت بالایی آن دو گلدان قرار دارد، متشکل است و پوششی با قوس جناغی دارد. لچکی بالای قاب محراب با نقوش گیاهی تزیین شده است. درون این محراب گلدانی است که از آن درخت سروی بیرون آمده و مشابه قندیلی آویزان از سقف محراب است. قسمت بالای درخت سرو، نقشی شبیه به شعله‌ی آتش دارد که در واقع، بیانگر اعتقادات مذهبی و اسطوره‌ای است.

در آیین زردتشت آمده: همان‌گونه که پیوسته شعله‌های آتش روبه‌بالا می‌رود، پیروان وی نیز به بالا، یعنی به سمت روحانیت، انسانیت، ترقی و تعالی عروج می‌یابند. در افسانه‌ی زردتشت نیز اردیبهشت مجمری از آتش که از بهشت آورده در دست دارد و زرتشت پیامبر، پس از آنکه به بعثت رسید، مجمری از آتش دارد که در میان شاخ‌وبرگ گیاهان جای‌گرفته است (عابد دوست و کاظم‌پور، ۱۳۸۸: ۱۲۵). آتش در دوره‌ی پیش از اسلام، سوزاننده‌ی شرارت و پلیدی جان بود و عنصر اهورایی مقدس نمایانگر ظهور حقیقت قدیم. پس بی‌راه نیست در کنار مصداقی قوی چون سرو، از آتش نیز سخن آورده شود؛ چرا که

می‌شود. در این دوره، هنر معماری رونق گرفت و معماران و هنرمندان آثار ارزشمند و بی‌نظیری خلق کردند. در این دوره، شاهد دو سبک معماری هستیم که در اکثر بناهای این دوره از جمله مسجد، آرامگاه، کاروانسرا، مدارس و... دیده می‌شود: نخست بناهای چهارایوانی و دوم تالار بزرگ مربع گنبددار با چهار ورودی و ایوان. معماران این دوره با استفاده از عناصر معماری گذشته (معماری ساسانی) مانند گنبد، ایوان و حیاط و ساختمان‌هایی با سبک طاق‌دار که از هندسه‌ی دقیق برخوردار است، به معماری این دوره، ماهیت و کیفیت دقیقی داده‌اند (Panahi, 2012: 814). از ویژگی‌های اساسی معماری دوره‌ی سلجوقی سادگی نمای بیرونی گنبدخانه با تأکید صریح بر محدوده‌ی انتقالی مکعب پایه به نیمکره‌ی گنبد است (Hillenbrand, ۱۹۹۹: ۱۰۵). استفاده‌ی سلجوقیان از سُکنج ساختاری و تبدیل غایی مربع به دایره به‌وسیله‌ی هندسه راه‌حلی کاملاً آگاهانه را نشان می‌دهد (اردلان و بختیار، ۱۳۹۰: ۵۹). معماران این دوره از مصالح و روش‌های مختلفی برای تزیین بناها استفاده کرده‌اند که از جمله‌ی آن می‌توان به آجر، کاشی، گچ و... اشاره کرد. با این وجود، در این دوره ماده‌ی اصلی ساخت و ساز و تزیین آجر بود و به‌عنوان ماده‌ی اصلی ساختمانی، چگونگی انتخاب انواع طاق‌بندی و سقف‌های گنبدی را تعیین می‌کرد (هاتشتاین و دیلیس، ۱۳۸۹: ۳۵۴). در این دوره کاشی فیروزه‌ای در بناها به‌کار می‌رفت. به‌کارگیری کاشی در اوایل امر منحصر به بناهای بزرگ و نشاندن جاهای به‌خصوص از بنا یا نمایان‌تر و خواناتر کردن کتیبه‌ها بود (حاتم، ۱۳۷۹: ۲۴۸).

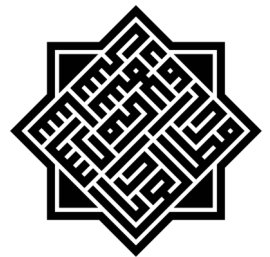
آرامگاه پیرحاجات در عین سادگی از عظمت و شکوه خاصی برخوردار است. بدون شک با مطالعه‌ی معماری دوره‌ی سلجوقی می‌توان به نقش مهم تزیینات در آن پی برد. نمای بیرونی آرامگاه، ساده و ایوان ورودی آن در دوره‌ی معاصر با نقوش هندسی و گل‌انداز آجرکاری شده است. از دیگر ویژگی‌های معماری سلجوقی آرامگاه پیرحاجات، گچ‌بری محدود در پاکار گنبد (یک ردیف رف تزیینی دور تا دور بنا به‌صورت مقرنس قطاری) و کاشی‌کاری با نقوش خطی و گیاهی است. طاقنمای محراب با

جدای همگونی شعله‌ی سربرکشیده‌ی آتش با سرو، که همواره با وزش نسیمی کمر خم میکند، خواست خاموش‌نخواستن آتشکده‌ها، باور به نامیرایی سوزش جاودانه‌ی حقیقت نیز هست (امینی، ۱۳۸۵: ۱۱۲). در آیه‌ی سی سوره‌ی قصص آمده است که «پس هنگامی که به نزد آتش آمد، حضرت موسی (ع)، از جانب راست آن درّه، در آن جایگاه مبارک، از میان یک درخت ندا داده شد که ای موسی! همانا من، الله، پروردگار جهانیان هستم». امام فخر رازی می‌گوید: «آتش در دل درخت، همانند شعله‌ی حیات در پیکر انسان است و خداوند آفرینش، آتش در درخت را به‌عنوان مقدمه‌ای برای آفرینش بزرگ خود بیان کرده است» (اخوت و تقوایی، ۱۳۸۸: ۷۵). زیر سقف این محراب نیز با مقرنس تزیین شده است. محراب درون یک قاب قرار دارد. دورتادور محراب و حاشیه‌ی پایانی کاشی در سه ضلع (راست، چپ و بالا) آیه‌ی چهار تا هفت سوره‌ی یس (یاسین) با خط نسخ به‌صورت برجسته به‌نگارش درآمده است: عَلٰی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ (۴) تَنْزِیْلِ الْعَزِیْزِ الرَّحِیْمِ (۵) لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا اُنذِرَ اَبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُوْنَ (۶) لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلٰی اَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا یُؤْمِنُوْنَ (۷). ترجمه‌ی آیات مذکور چنین است: «بر راهی راست (۴) [و کتابت] از جانب آن عزیز مهربان نازل شده است (۵) تا قومی را که پدرانشان بیم داده نشدند و در غفلت ماندند بیم دهی (۶) آری گفته [خدا] درباره بیشترشان محقق گردیده است در نتیجه آنها نخواهند گروید (۷)». ^۵ درحقیقت، این آیات و مضامین دینی به‌نوعی حضور خداوند را تداعی می‌بخشند.

کاشی بزرگتر داخل محراب، قابل‌مقایسه با کاشی لعاب تکرنگ مورخ ۵۲۲ هـ.ق در موزه‌ی هنری دانشگاه هاروارد (موزه‌ی ساکлер) است. این کاشی (به ابعاد ۲۵/۷۲ × ۳۳/۹۷) به‌شکل یک محراب است که سوره‌ی توحید (اخلاص) روی آن نوشته شده است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ (۱)

اللّٰهُ الصَّمَدُ (۲) لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُوَلَدْ (۳) وَلَمْ یَكُنْ لَهٗ كُفُوًا اَحَدٌ (۴). این سوره در یگانگی خدا (توحید) بیان شده و اسلام را از مسیحیت متمایز می‌کند (Khoury, ۱۵: ۱۹۹۲). این کاشی شبیه کاشی آرامگاه پیرحاجات است و کتیبه‌ی آن در سه ضلع قرار دارد. در مرکز آن نقش گلدان و درخت سرو به‌صورت برجسته کار شده است (تصاویر شماره‌ی ۱۱ و ۱۲). کاشی آرامگاه پیرحاجات از لحاظ جزئیات نسبت به کاشی دانشگاه هاروارد، جزئیات تزیینی بیشتری دارد و در کلیات و تکنیک سفال شبیه یکدیگر هستند. چهار قطعه کاشی پاکار گنبد با نمونه‌ی یک کاشی در موزه‌ی متروپولیتن قابل‌مقایسه است (Carboni & Masuya, ۱۹۹۳: ۷). هردو کاشی از دو قسمت تشکیل شده: قسمت بالای آن با نقوش گیاهی به‌صورت پیچ‌درپیچ تزیین شده و قسمت پایین آن، کتیبه‌ای به خط نسخ به‌نگارش درآمده است (تصاویر شماره‌ی ۱۳ و ۱۴).

نمای داخلی آرامگاه به‌صورت چلیپایی است و ایوانی بلند با طاق جناغی در هر طرف آن قرار دارد. در آرامگاه پیرحاجات، طی سالیان طولانی، مرمت‌هایی صورت گرفته و بخش‌هایی به آن افزوده شده است، به‌طوری که امروزه اطراف این آرامگاه بناهای زیادی ساخته شده است تا نیاز زائرین را برآورده کند که این امر را می‌توان از موقوفات و وسایل اهدایی در این آرامگاه دید. این آرامگاه در ابتدا، به‌صورت منفرد و روبه‌قبله ساخته شده و دارای چهار ورودی در چهارجهت اصلی بود که به‌دلیل اضافات صورت گرفته در دوران بعد، بقیه‌ی ورودی‌ها مسدود شده است. این بنا از لحاظ شیوه‌ی گنبدسازی، با گنبدخانه‌های بناهای دوره‌ی سلجوقی از جمله گنبد نظام‌الملک در مسجد جامع اصفهان، مسجد جامع اردستان (کیانی، ۱۳۸۶)، گنبد جبلیه (پوپ، ۱۳۸۷) ، بقعه‌ی دوازده امام یزد (حاجی قاسمی، ۱۳۸۹) و از لحاظ پلان نیز با آرامگاه امامزاده عقیل یاسوکند



سال اول / شماره دوم
پاییز و زمستان ۱۳۹۹

۵. سوره‌ی یس یکی از بافضیلت‌ترین سوره‌های قرآن است و در ثواب خواندن آن آثار دنیوی و اخروی روایت شده است. این سوره در مکه نازل شده و هشتاد و سه آیه دارد و به نام اولین آیه‌اش که از حروف مقطعه است، نام‌گذاری شده است. مطالب این سوره بر محور عقاید است و تعلیم آن به فرزندان و هدیه کردن ثواب قرائت آن به مردگان سفارش شده است. این سوره با گواهی خداوند، با رسالت پیامبر اسلام آغاز و با بیان رسالت سه پیامبران الهی ادامه می‌یابد. در بخشی از این سوره، به برخی از آیات عظمت پروردگار در هستی به‌عنوان نشانه‌های توحید اشاره شده و در بخش دیگر، مسائل مربوط به معاد، سؤال و جواب در دادگاه قیامت و ویژگی‌های بهشت و دوزخ مطرح شده است. در روایات از سوره‌ی یس به‌عنوان «قلب قرآن» یاد شده است (قرائتی، ۱۳۸۹: ۷/۵۱۷).

به صورت برج مقبره است و به صورت محدود، آرامگاه با پلان مربع هم ساخته شده است که آرامگاه پیرحاجات نمونه‌ی آن است. معماری آرامگاه پیرحاجات، در عین سادگی، عظمت و شکوه بناهای دوری سلجوقی را دارد و با بناهای این دوره قابل مقایسه است. تزیینات به کاررفته در بنا اندک است با این وجود، همین تزیینات ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که کمتر در بناهای آرامگاهی دوره‌ی سلجوقی منطقه می‌توان دید. قبل از زلزله‌ی ۱۳۵۷ شهرستان طبس، بناهای زیادی مربوط به دوره‌ی سلجوقی در این منطقه، به ویژه در شهر طبس از جمله مسجد جامع و مدرسه وجود داشت که در زلزله به کلی تخریب شد. قرارگیری این آرامگاه در مسیر ارتباطی موجب توجه به این بنا در طول زمان شد و به ویژه در دوره‌ی صفوی، با رسمی شدن مذهب تشیع، این آرامگاه از نذورات و وقفیاتی برخوردار شد. جاده‌ای که از مسیر اصفهان و یزد به طبس منتهی می‌شود، در مکانی به نام رباط‌گور به یکدیگر می‌رسند که از این جاده، شاخه‌ای فرعی به روستای حلوان و پیرحاجات

(محمدی و دیگران، ۱۳۹۱)، گنبد علویان همدان، آرامگاه ازناو همدان (بهرخ، ۱۳۸۹) و... قابل مقایسه است. از جمله بناهای محلی قابل مقایسه با آرامگاه پیرحاجات می‌توان از مزار جوخواه در نزدیکی شهر طبس و آرامگاه خسروآباد (که در زلزله‌ی ۱۳۵۷ تخریب شد) نام برد. مصالح به کاررفته در آرامگاه عمدتاً آجر، سنگ و گچ است. در آرامگاه پیرحاجات در ساخت دیوارها و پوشش گنبد از آجر استفاده شده و سنگ نیز در ساخت دیوارها به کاررفته است. گچ برای پوشش نمای داخلی و در طاق زنی و ساخت گنبد کاربرد داشته است.

نتیجه‌گیری

هر چند آرامگاه پیرحاجات با توجه به کتیبه‌ی آن مربوط به دوره‌ی خوارزمشاهی است، با این وجود، بناهای ساخته شده در این دوره ادامه‌ی سبک معماری دوره‌ی سلجوقی است و در معماری دوران اسلامی با همان سبک دوره‌ی سلجوقی شناخته می‌شود. بناهای آرامگاهی ساخته شده در دوره‌ی سلجوقی



▲ تصویر شماره‌ی ۱۲. کاشی موزه هنری دانشگاه هاروارد، موزه‌ی ساکلی (۱۵: ۱۹۹۲، Khoury)



▲ تصویر شماره‌ی ۱۱. کاشی آرامگاه پیرحاجات، داخل محراب (نگارنده، ۱۳۹۷)

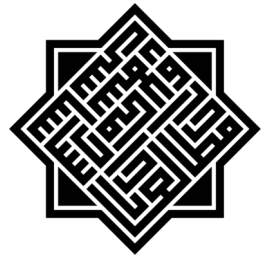


▲ تصویر شماره‌ی ۱۴. کاشی موزه متروپولیتن (۷: ۱۹۹۳، Carboni & Masuya)



▲ تصویر شماره‌ی ۱۳. کاشی فضای بالای محراب آرامگاه پیرحاجات (نگارنده، ۱۳۹۷)

منتهی می‌شود که با ادامه‌ی این مسیر به شهرهای دیگر خراسان از جمله بردسکن، کاشمر و نیشابور می‌رسد. شواهد این مسیر که در بین اهالی به جاده‌ی ابریشم معروف است، در نزدیکی حلوان و منطقه‌ای به نام بیگرو در نزدیکی پی استان و پیرحاجات مشهود است. همچنین روستای قدیم خیرآباد و حلوان که در منابع تاریخی به آن اشاره شده، در طول این مسیر مشخص است که امروزه بر اثر بادهای شنی تقریباً مدفون است. در رابطه با شخصیت مدفون در بنا همانطور که در بالا گفته شد، اهالی محلی معتقدند که شخصیت مدفون در بنا شیخ احمد ابن اسحاق یکی از نواب امام حسن عسکری است که در دوران امام هادی (ع) و امام جواد (ع) هم می‌زیسته و به دستور امام حسن عسکری جهت جمع‌آوری وجوہات شرع به مردم خراسان و همچنین زیارت امام رضا (ع) از سامرا عازم مشهد می‌شود که در بین راه بیمار و در این مکان دفن می‌شود. با بررسی متون تاریخی مشخص شد شخص دفن شده در بنا احمد ابن اسحاق نبوده بلکه تشابه اسمی (پیرحاجات) موجب شده که به اشتباه، شخصیت مدفون در بنا را احمد ابن اسحاق بدانند. در اینکه شخصیت مدفون در بنا شخصی با کرامات بوده شبهه‌ای وجود ندارد، چراکه متون تاریخی نیز به آن اشاره دارند و همین متون، ساخت بنا را اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم می‌دانند که این با زمان حیات احمد ابن اسحاق وکیل امام حسن عسکری (ع) اختلاف زیادی دارد.



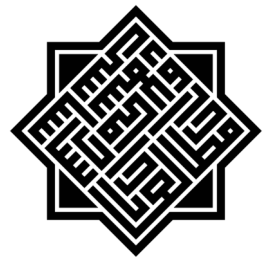
سال اول / شماره دوم

پاییز و زمستان ۱۳۹۹

فهرست منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۲). کمال الدین و تمام النعمه (اسلامیه)، جلد ۲. ترجمه‌ی منصور پهلوان، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: انتشارات دارالحدیث.
۲. ابن عبدالحق بغدادی، صفی‌الدین عبدالمؤمن (۱۴۱۲). مراصد الإطلاع علی أسماء الأئمة و البقاع، جلد ۱، مصحح علی محمد بجاوی، بیروت: انتشارات دارالجلیل.
۳. اخوت، هانیه، علی اکبر تقوایی (۱۳۸۸- ب). «درخت صورت مثالی و نماد تطور مفهوم و استفاده درخت در قرآن کریم»، کتاب مله و هنر، شماره‌ی ۱۳۳، صص ۷۴-۷۹.
۴. اردلان، نادر و لاله بختیار (۱۳۹۱). حس وحدت، نقش سنت در معماری ایرانی، ترجمه‌ی ونداد جلیلی، تهران: علم معمار.
۵. امینی، محمدرضا (۱۳۸۵). قالی و نماد. کتاب مله و هنر. شماره‌ی ۹۳ و ۹۴، صص ۱۰۴-۱۱۷.
۶. امینی، محمود (۱۳۸۵). جغرافیای تاریخی شهرستان طبس، یزد: نیکوروش.
۷. بادنج، معصومه (۱۳۸۸). واژه‌ی حلوان، دانشنامه‌ی جهان اسلام، جلد ۱۳، تهران: بنیاد دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۸. بهرخ، سمیرا (۱۳۸۹). بررسی تزیینات آرامگاه‌های دوران سلاجقه و ایلخانی در استان همدان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد هنر اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، منتشرنشده.
۹. پوپ، آرتور اپهام (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز، جلد ۳، ویرایش سیروس پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. تهرانی نجفی، هادی بن محمدامین (۱۳۹۳). هدیه‌الزائرین، مصحح: سیدمحمد موسوی‌نژاد، تهران: مشعر.
۱۱. حاتم، غلامعلی (۱۳۷۹). معماری اسلامی ایران در دوره‌ی سلجوقیان، تهران: جهاد دانشگاهی.
۱۲. حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۸۹). امامزاده‌ها و مقابر، بخش ۳، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۳. حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۸۰). معجم البلدان، جلد ۱، ترجمه‌ی علی نقی منزوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
۱۴. خدامیان آرنی، مهدی (۱۳۹۱). گمگشته دل، تهران: عطر عتروت.
۱۵. خوافی، شهاب‌الدین عبدالله (۱۳۷۰). جغرافیای تاریخی خراسان در تاریخ حافظ ابرو (قسمت ربع
- خراسان هرات)، تصحیح غلامرضا وره‌رام، تهران: اطلاعات.
۱۶. دانشدوست، یعقوب (۱۳۶۶). گزارش ثبتی آرامگاه پیرحاجات، بیرجند: آرشیو اداره کل سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی.
۱۷. دانشدوست، یعقوب (۱۳۷۶). طبس شهری که بود، بناهای تاریخی طبس، تهران: سروش.
۱۸. دانشنامه‌ی طبس (۰۵/۰۷/۱۳۹۱). مزار شیخ احمد بن اسحاق (پیرحاجات)، قابل دسترسی در [سایت: http://www.tabasenc.ir](http://www.tabasenc.ir)
۱۹. شاطری، مفید (۱۳۹۴). وارثان عتروت، بقاع متبرکه‌ی خراسان جنوبی، شرکت چاپ و انتشارات وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه.
۲۰. عابد دوست، حسین، زیبا کاظم‌پور (۱۳۸۸). «صورت‌های متنوع درخت زندگی بر روی فرش‌های ایرانی»، فصلنامه گلجام، شماره‌ی ۱۲، صص ۱۲۳-۱۳۹.
۲۱. علی‌بن‌ابی‌طالب (۱۴۱۳). نهج‌البلاغه، گردآورنده: محمد بن حسین شریف الرضی، مصحح: عزیزالله عطاردی قوچانی، تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.
۲۲. غروی، مهدی (۱۳۷۶). آرامگاه در گستره‌ی فرهنگ ایرانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۲۳. قرائتی، محسن (۱۳۸۹). تفسیر نور، جلد ۷، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۴. قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳). آثار البلاد و اخبار العباد، مترجم: جهانگیر میرزا، تهران: امیرکبیر.
۲۵. قزوینی، محمدکاظم (۱۳۹۲). زندگانی امام حسن عسکری علیه‌السلام از ولادت تا شهادت، تهران: یاس بهشت.
۲۶. قنبری، صباح، صباح خسروی‌زاده (۱۳۸۹). جغرافیای تاریخی حلوان، مجله‌ی پژوهش در تاریخ، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۱، صص ۱۸-۱.
۲۷. کیانی، محمدیوسف (۱۳۸۶). تاریخ هنر معماری ایران در دوره‌ی اسلامی، تهران: سمت.
۲۸. محمدی، مریم، جواد نیستانی، علیرضا هژبری نوبری (۱۳۹۱). «مطالعه و بررسی بنای امامزاده عقیل (یاسوکنند بیجار)»، مجله‌ی مطالعات باستان‌شناسی، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۱، صص ۲۳۷-۲۲۱.
۲۹. محمودی‌نسب، علی اصغر (۱۳۹۷). گزارش بررسی باستان‌شناسی بخش دیهوک و دهستان پیرحاجات شهرستان طبس، بیرجند: آرشیو اداره‌کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری خراسان

- جنوبی، منتشر نشده.
۳۰. مکی نژاد، مهدی (۱۳۸۸). تاریخ هنر در دوره‌ی اسلامی، تزیینات معماری، تهران: سمت.
۳۱. مؤلف ناشناخته (۱۴۲۳). *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، مصحح: یوسف الهادی، قاهره: دارالثقافیه للنشر.
۳۲. نادری، بقراط (۱۳۵۷). «تاریخچه طبس و نگاهی کوتاه به بناهای باستانی آن»، مجله‌ی هنر و مردم، شماره‌ی ۱۸۸، صص ۵۸-۶۵.
۳۳. وکیل زاده، داود (۱۳۹۵). *تمدن کهن خراسان جنوبی*، بیرجند: متخصصان آینده.
۳۴. هانتشتاین، مارکوس، پیتر دیلیس (۱۳۸۹). *اسلام: هنر و معماری*، مترجمان: نسرین طباطبایی و دیگران، تهران: پیکان.
۳۵. هیلنبراند، روبرت (۱۳۸۷). *هنر و معماری اسلامی*، ترجمه‌ی اردشیر اشراقی، تهران: روزنه.
36. Burckhardt, Titus (2009). *Art of Islam, Language and Meaning*. Indiana- Bloomington: Publishers World Wisdom.
37. Carboni. Stefano & Masuya. Tomoko (1993). *Persian Tiles*. New York: Published The Metropolitan Museum Of Art.
38. Hattstein ,Markus And Delius, Peter 2004. *Islam: Art and Architecture*, Ullmann.
39. Hillenbrand. Rober (1999). *Islamic Art And Architecture*. London: Thames and Hudson.
40. Khoury. Nuha N. N (1992). "The Mihrab Image: Commemorative Themes In Medieval Islamic Architecture". *Muqarnas* .Num 9. pp 11-28.
41. Panahi. Ahmad (2012). "Application of geometry in brick decoration of Islamic architecture of Iran In Seljuk period ". *Journal of American Science*; 8 (6). pp 814-821.



سال اول / شماره دوم
پاییز و زمستان ۱۳۹۹